

یادداشت
محمدصادق ترابزاده چهرمی | پژوهشگر

پیوست عدالت و قاعده حکمرانی



پیوست عدالت اجتماعی، تلویحا در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، این‌گونه مورد مطالبه قرار گرفت: «ما اگر بخواهیم فاصله بین آنچه که از عدالت لازم داریم و باید باشد و آن وضعیت کنونی را- وضعیتی که فعلا مستقر است - کم کنیم، بایستی به روش‌ها و راهکارهای جدید و مؤثر دست پیدا کنیم. باید بدانیم شیوه‌های کاربردی عدالت چه چیزهایی است؛ یعنی زمان آزمون و خطا را سپری شده بدانیم... دیگر صلاح نیست ما این‌جور عمل کنیم. باید بنشینیم روش‌های متقن و مبتنی‌بر تعاریف متقن را پیدا کنیم، تشخیص بدهیم، روی آنها مستقر شویم و حرکت کنیم.»

این مطالبه در ۶ شهریور ۱۴۰۰ در اولین دیدار با هیات دولت سیزدهم تحت عنوان ضرورت پیوست عدالت مطرح شد: «به نظر من هر مصوبه‌ای که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر می‌کنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد؛ باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزنند، طبقات مظلوم را پایمال نکند؛ این مراقبت باید همیشه باشد؛ حالا یا با یک پیوست مکتوب یا بالاخره از لحاظ نوع تنظیم جوری باشد که این‌طور باشد.» اکنون نیز همان مطالبه در ۶ شهریور ۱۴۰۳ در اولین دیدار با هیات دولت چهاردهم و تحت همان عنوان پیوست عدالت مطرح شده است.

مبتنی بر این مطالبه، پیوست عدالت عبارت است از: «بررسی سازگاری یک برنامه، مداخله، اقدام یا خط‌مشی از منظر عدالت اجتماعی»؛ البته عدالت اجتماعی از منظر اسلام، به عبارت دیگر، ه‌رگاه می‌خواهیم یک مداخله را طراحی یا اجرا کنیم یا پس از اجرا، آن را بررسی کنیم، از منظر عدالت آن طراحی، اجرا یا قضاوت نهایی را بازبینی کنیم.

پس پیوست عدالت، ترکیبی است از دانش ارزشیابی و نظریه اسلامی عدالت اجتماعی. عدالت از چند جهت با برنامه‌ها و مداخلات در فضای عمومی، نسبت برقرار می‌کند: ۱. سخن از عدالت، سخن از وضعیت مطلوب جامعه است. پس هر اقدامی می‌تواند ما را به این وضعیت مطلوب نزدیک یا از آن دور کند. از این منظر، هیچ اقدام و مداخله‌ای، خارج از دایره عدالت نیست.

۲. هر مداخله یا اقدامی، به تغییر بهره‌مندی‌های افراد و اجتماعات مختلفی منجر می‌شود. تغییر بهره‌مندی‌ها نیز موضوع عدالت خواهد بود.

۳. از منظر اسلامی، عدالت اجتماعی به‌عنوان ارزشی حاکم بر سایر ارزش‌های اجتماعی است که حد بروز ارزش‌های مختلف اجتماعی را در اقدامات و مداخلات ما، روشن می‌سازد. از این منظر نیز، عدالت در همه مداخلات و اقدامات حضور دارد.

بر این اساس، پیوست عدالت، توجیه ناموجه مداخلات اجتماعی نیست، بلکه شرح ه‌مراسنایی یا طراحی عادلانه آنهاست. پیوست عدالت، فرعی و حاشیه‌ای نیست، بلکه باطن هر مداخله‌ای است.

نگارش متنی به‌عنوان پیوست عدالت لزوما به معنای فرعی‌بودن عدالت نیست؛ بلکه تفکیکی تحلیلی است. پس پیوست عدالت باید تفکیک تحلیلی مداخلات اجتماعی باشد؛ نه تفکیک برنامه‌ای.

پیوست عدالت، هر نوع نقد از منظر عدالت نیست. نظام‌مندی و چند بعدی بودن، وجه‌میزه پیوست عدالت از بررسی خیرگانی و نقادی تخصصی است. پیوست‌نگاری، دلخواهی نیست، بلکه نظریه بنیان است. باید مشخص کنیم که از منظر کدام نظریه عدالت به ارزشیابی مداخلات می‌پردازیم. پیوست عدالت، لزوما پسینی نیست؛ بلکه می‌تواند پیشینی و پسینی باشد و البته بهتر است پیشینی باشد که همزمان با فرآیند طراحی یک مداخله، آن را بررسی و اصلاح کند.

پیوست عدالت صرفا اثرسنجی یک مداخله نیست؛ بلکه سایر عناصر یک مداخله از جمله مسأله مداخله، نظریه کلان تغییر و مفروضات پشتیبان مداخله، زمینه‌های اجرای مداخله، زنجیره پیامدهای مداخله و... نیز قابل ارزشیابی است.

اما چرا ضرورت دارد که ما این نسبت عدالت با مداخلات اجتماعی را بررسی کنیم؟ پاسخ آن است که:

۱. در دوران تغییرات پسرست‌اجتماعی، برای پرهیز از سعی وخطایبید مطمئن شویم که اقدامات ما، جامعه را به عدالت نزدیک‌تر می‌کند و الاً ما را با سرعت و شتاب بالایی به قعر دره سوق خواهد داد.

۲. بدون بررسی سازگاری اقدامات با عدالت اجتماعی، ممکن است، اقدامات ما همدیگر را خنثی کنند و منابع کشور، هدررود.

۳. بدون بررسی این سازگاری، نمی‌توانیم نقایص اقدامات و مداخلات را شناسایی و آنها را اصلاح کنیم یا این‌که عوارض جانبی که طبیعتا به‌واسطه مداخلات ما بروز می‌یابند، شناسایی، جبران یا کنترل نمی‌شوند. پس کارایی ما کاسته خواهد شد.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان روز چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ در اولین سفر خارجی خود عازم عراق خواهد شد.

دیدارهای دوجانبه با مقامات عالی عراقی و امضای یادداشت‌های همکاری امنیتی از جمله برنامه‌های این سفر است. پزشکیان در این سفر همچنین به زیارت عتبات عالیات می‌رود و حضور در بصره و اربیل از بخش‌های احتمالی این

پزشکیان چهارشنبه به عراق می‌رود

مقاومت فعال استراتژی ثبات‌ساز

اظهارات اخیر فرمانده کل سپاه درباره تأمین امنیت آبراه‌ها، در متن و بطن خود چه پیام‌هایی ناظر بر مناسبات داخلی و خارجی کشورمان دارد؟



امیرعلی موسوی
گروه‌سیاسی

مواضع سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی درباره اقدامات اقتدارآفرین سپاه در تأمین امنیت آبراه‌های کشتی‌های ایرانی و ارائه خدمات بی‌شائبه در دوران

کرونا در حضور رئیس‌جمهور، نشان از جایگاه ویژه این نهاد انقلابی در کشور از حیث کارکردهای راهبردی دارد که تأثیر مستقیم آن بر زندگی مردم، غیرقابل کتمان است.

سردار سلامی در نشست مشترک اخیر با رئیس‌جمهور که در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) برگزار شد، از ۱۴ فروند کشتی‌ای گفت که رژیم‌صهیونیستی با هدف قطع

صادرات نفت ایران، در دریای سرخ و مدیترانه مورد هدف قرار داد و ایران نیز در مقابل، ۱۲ فروند کشتی از این رژیم را در شمال اقیانوس هند و سایر جاها زد. بنابر گفته سرلشکر سلامی، پس از اصابت کشتی پنجم از رژیم‌صهیونیستی، آنها تسلیم اقتدار دریایی ایران شدند و تصریح کردند که ما نبرد کشتی‌ها را متوقف می‌کنیم. فرمانده کل سپاه درعین حال از برخی تحرکات انگلیسی‌ها علیه نفتکش‌های ایران سخن به‌میان‌آورد. او با اشاره به توقیف نفتکش ایرانی در جبل‌الطارق گفت که ایران هم در یک حرکت تلافی‌جویانه، کشتی موسوم به «استینا امیرا» از انگلیسی‌ها را تیرماه ۱۳۹۸ توقیف کرد و پس از این حرکت، آنها دستان خود را به نشانه تسلیم بالا بردند.

سرلشکر سلامی با اشاره به موفقیت سپاه در تأمین امنیت خطوط کشتیرانی ایران وفاق شدن بر دشمنان به‌ویژه بر آمریکایی‌ها در نبردهای

سفر خواهد بود. محمدکاظم آل‌صادق، سفیر کشورمان در عراق در گفت‌وگویی با اشاره به مناسبات مثبت دیپلماتیک بین بغداد و تهران درباره سفر رئیس‌جمهور ایران به عراق به‌عنوان اولین مقصد خارجی او گفت: عراق کشور بزرگ، مهم و همسایه ماست و ما مرزهای طولانی با این کشور داریم؛ من قبلا به رسانه‌ها گفتم ۴۰درصد عراقی‌ها در مرزهای کشور زندگی می‌کنند.

افزایش دهد. از طرف دیگر باید تصریح داشت که اظهارات سرلشکر سلامی درباره کارآمدی سپاه در تأمین امنیت آبراه‌ها و حضور چشمگیر این نهاد در موضوع مقابله با کرونا، آن‌هم در حضور رئیس‌جمهور، واجد یک پیام در نوع خود نادین و البته واقعی است مبنی بر این‌که سپاه با درک شرایط موجود کشور و تقلا ی بی‌شائبه دشمنان ملت برای نامیدساختن مردم از دولت چهاردهم، قصد و همت خود را به‌طور مضاعف بر یاری‌رسانی به دولت قرار داده است.

درواقع سرلشکر سلامی به نمایندگی از نهاد انقلابی سپاه در پس و پشت اظهارات خود، این پیام تلویحی را به رئیس‌جمهور منتقل کرده که دولت چهاردهم بدون هیچ‌گونه دغدغه نسبت به تأمین امنیت کشور، باید تمام داشته‌ها و ظرفیت‌های خود را مصروف تحقق برنامه‌ها و وعده‌های اعلامی ازجمله در زمینه عدالت کند. این پیام با توجه به ترور شهید اسماعیل هنیه یک روز پس از تحلیف رئیس‌جمهور، معنای متفاوتی دارد.

رژیم‌صهیونیستی با جنایت ترور شهید هنیه، قصد ناپیل شدن به اهداف متعدد ازجمله بی‌ثبات‌سازی امور در داخل ایران و تضعیف دولت جدید را داشت اما فرمانده کل سپاه با حمایت تمام‌قد از دولت، پایه‌های دولت را بیش از پیش تقویت کرد. صهیونیست‌ها حتی در صورت حصول آتش‌بس و بازگشت آرامش به غزه، حسب منطق ذاتی شان، برای بی‌ثبات‌سازی دوباره منطقه سیاست‌های جدیدی در دستورکار خواهند داشت و درهمین‌باره، تأکید سرلشکر سلامی بر تأمین امنیت آبراه‌ها، در نوع خود می‌تواند ارسال‌کننده پیام اقتدار به دشمن باشد و درعین حال، طبیعی است که اقتدار دولت جدید در ایران برای پیگیری بهتر امور را نیز ارتقا می‌بخشد. مضاف بر همه اینها، اعلام آمادگی سرلشکر سلامی برای کمک به دولت در حوزه‌هایی نظیر خدمات‌رسانی و سازندگی کشور، درنوع خود می‌تواند کارکرد دولت چهاردهم را ارتقا بخشد.

ما برای سفر رئیس‌جمهور به عراق در حال آماده‌سازی هستیم. عراق نقش مهمی در حل مشکلات ایران و با کشورهای همسایه از جمله عربستان داشت. تلاش‌های بغداد در راستای عادی‌سازی روابط با اردن و مصر و برخی کشورهای دیگر صورت گرفته است. ما روابط عمیق و ریشه‌داری با عراق داریم و روابطی خارج از این چهارچوب نیست.

نگاه

پیش‌تاز نبردها

اظهارات اخیر فرمانده کل سپاه پاسداران، بازخوانی بخشی از تاریخی بود که فاصله چندانی با ما ندارد و اگر بخواهیم به مقطع زمانی اتفاقاتی که مورد اشاره سردار سلامی بود بپردازیم، باید گفت که این اظهارات مربوط به دگربری‌هایی است که بین سال‌های ۹۷ تا ۹۹ روی داده است و از آن به عنوان فشار حداکثری یاد می‌شود. بعد از خروج آمریکا از



محمد شلتوکی
گروه‌سیاسی دفاعی، امنیتی

برجام در اردیبهشت سال ۹۷ رویکردی از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای فشار علیه جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف در پیش گرفته شد و به موارات آن، ما در ایران با اتخاذ رویکردی روبه‌رو بودیم که از آن به‌عنوان مقاومت فعال یاد می‌کنیم. بر مبنای همین رویکرد، جمهوری اسلامی ایران پاسخ متقابل به اقدامات آمریکاو جریان فشار حداکثری را که در آن مقطع به فشار آمریکا، رژیم‌صهیونیستی و برخی کشورهای منطقه شکل گرفت در دستور کار خود قرار داد. مقاومت فعال در ابعاد مختلف دنبال شد؛ به‌عنوان نمونه یکی از اهداف جریان فشار حداکثری به صفررساندن صادرات نفت ایران بود و در قالب این سیاست، آنها بسیاری از کشتی‌ها و نفتکش‌های ما را توقیف در مورد اصابت قرار دادند. بر همین اساس، یکی از سیاست‌های مقاومت فعال، مقابله به‌مثل در برابر این اقدام محور فشار به ایران بود و در حقیقت اشاره اخیر سردار سلامی درباره پیروزی ایران بر دشمن در نبرد دریاها، روایتی از آن مقطع زمانی است. از طرف دیگر اگر بخواهم به معنای سیاسی اظهارات سردار سلامی برای دشمنان به‌خصوص رژیم صهیونیستی اشاره کنم، باید بگویم که دنیا در شرایط کنونی در شرایط پیچیده‌ای به‌سر می‌برد. از یک سو، بحران اوکراین و از سوی دیگر، جنگ غزه و همچنین امنیت در منطقه غرب آسیا، مسأله قفقاز و تنش‌های سیاسی در منطقه جریان دارد؛ از جمله موضوعاتی که باعث شده اوضاع منطقه ما پیچیده شود. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که ما در آستانه سال دهم برجام قرار داریم و در حقیقت سال حساسی از این نظر است، پیش‌بینی می‌شود که دوباره محور غربی شامل آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی بخواهند مجددا اقداماتی را علیه ایران در یکی از محورها ساماندهی کنند. از سویی دیگر، انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا هم در پیش است و هر کدام از دو نامزد که مطرح هستند، اگر بر مسند قدرت نشینند، سیاست‌های خصمانه‌ای علیه ایران را دنبال خواهند کرد. از این منظر می‌توان دریافت که ما با شرایط حساسی روبه‌رو خواهیم بود و در کنار آن، این احتمال هم وجود دارد که محور غرب به رهبری آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی قصد ضربه‌زدن به منافع جمهوری اسلامی را داشته باشند. بنابراین صحبت‌های سردار سلامی در واقع یادآوری اقدامات ایران در راستای مقاومت فعال بود. این نکته هم قابل توجه است که برای اولین بار بود که فرمانده کل سپاه پاسداران درباره نقش سپاه در امنیت آبراه‌های ایران به‌موضوع جبران اقدامات آمریکا اشارتی داشت. تأییدش از این، بحث مقاومت فعال در بعدرسانه‌ای عمدتا معطوف به بیان یک‌سری اقدامات حقوقی شامل توقیف نفتکش‌ها به دلیل نقض قوانین زیست‌محیطی یا نمونه‌هایی از این دست بود و برای نخستین بار یک فرمانده نظامی ایرانی به‌طور علنی آن اقدامات را در چهارچوب سیاست مقابله‌به‌مثل با دشمنان مطرح کرد و از این جهت به‌نظر می‌رسد که پیام سخنان فرمانده کل سپاه، یک سیگنال قوی برای طرف‌های مقابل جمهوری اسلامی است که اگر دوست به ساماندهی اقداماتی نبیند، طبقه ایران در همین سطح و اندازه، پاسخ لازم را خواهد داد. از طرف دیگر، اظهارات سردار سلامی برای امنیت داخل کشور با عطف به تحقق هر چه بهتر برنامه‌های دولت چهاردهم نیز واجد پیام‌های مهمی است. طبقه نیروهای مسلح شامل ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد کل نیروهای مسلح و فراجا به‌عنوان مجموعه‌های تحت فرمان رهبر انقلاب همواره طی چهار دهه‌گذشته پشتیبان دولت بوده‌اند.

دکتر پزشکیان از مجموعه سپاه و ارتش بازدید داشت و توانمندسازهای هر دو سازمان به رئیس‌جمهور ارائه شد. صحبت‌های سردار سلامی، حاکی از پیام سپاه پاسداران برای کمک به دولت بود. به عبارت دیگر؛ در تمام شرایطی که برای کشور و دولت پیش خواهد آمد، سپاه به‌عنوان نهاد پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی، در کنار دولت خواهد بود و در حقیقت این مجموعه نظامی، یک اطمینان خاطر به رئیس دولت چهاردهم داد، در همه مقاطع حساس که دشمنان بخواهند برای کشور به‌وجود آورند، سپاه و دیگر نهادهای نظامی و امنیتی برای مدیریت این ارتش شرایط در کنار دولت هستند. این نکته را هم باید مدنظر قرار داد که برخی به‌طور مغرضانه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به بعضی از جریان‌های سیاسی نسبت می‌دهند اما در واقع سپاه فارغ از تمام دسته‌بندی‌ها و جریان‌های سیاسی و بدون توجه به این‌که چه کسی یا کدام جریان مدیریت قوه مجریه را به عهده دارد، به حمایت از دولت‌ها می‌پردازد و این رویکرد را برای دولت چهاردهم هم در پیش گرفته است.

دربین

علیه مبارزه جویان برساختار

اصلاح‌طلبان «سیاست‌محور» این روزها مشغول نقد بنیادین سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان برساختار هستند

کرده است. وی در گفت‌وگویی با انتقاد از ستیزه‌جویی رخنه‌کرده در بافتار کنش تندرخوا تأکید کرده که آنان با این روند، زمینه‌های شر عمومی و تضعیف ایران را فراهم می‌کنند. جلایی‌پور در این باره با تأکید بر لزوم تحقق خیر همگانی تأکید کرد: «آرمان‌گرایی واقع‌نگرانه و کمک به تحقق عملی خیر همگانی و اصلاحات و گشایش‌های تدریجی، عموما صبور، واقع‌نگری و فضیلت‌مداری بیشتری از صرف مطالبه‌گری تحقق آرمان‌ها و مبارزه‌جویی مدام می‌طلبد.» اصلاح‌طلبان را دیکال نشان داده‌اند که تحلیل درستی از انتخابات و شرایط پس‌انتخابات ریاست‌جمهوری نداشته و آن را صرفا براساس مدل ستیزه‌گرایی خود تعریف کرده و در گام اول معتقد بوده‌اند که

پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و پیروزی مسعود پزشکیان، اصلاح‌طلبان تندرو انتظار داشتند دولت دودستی در اختیار منویات و جهت‌فکری آنها قرار گیرد و بدین صورت بتوانند تا حداقل چهار سال آینده بر کمیت دستگاه اجرایی کشور سوار باشند. رئیس‌جمهور منتخب اما با تأکید بر وفای ملی، در برابر تمامیت خواهی



حسام‌رضایی
دیگر گروه‌سیاسی

تندرخوا ایستادگی کرد و ترکیبی معقول و قابل پذیرش برای رأی اعتماد در اختیار مجلس قرار داد. شکست اصلاح‌طلبان تندرو در نفوذ به ارکان دولت، موجب شد تا ایشان نگاه مبارزه‌جویانه خود به امر سیاسی را وارد مرحله جدیدی کنند و بار دیگر با ابوزیسیون‌نمایی، دنبال اغتشاش در کارکرد نهاد دولت باشند. در میانه اغتشاش آفرینی اصلاح‌طلبان تندرو، برخی نیروهای شناخته‌شده اصلاح‌طلب نظیر عباس عبدی و محمدرضا جلایی‌پور با جهت‌توریک و رتوریک، درصدد مقابله و بازآرایی اندیشه‌های چپ

را دیکالایسم آنان موجب پیروزی پزشکیان در انتخابات شده است. اصلاح‌طلبان را دیکال چنین می‌پندارند که علت تغییر فضا در خرداد ۱۴۰۳ و تأیید صلاحیت، چهره‌ای نظیر پزشکیان و بازشدن فضا برای کنشگری اصلاح‌طلبانه، تحریم انتخابات در اسفند ۱۴۰۲ بوده و به بیان دیگر، ساختار در وضعیت ناچاری و کلیس، مجبور به دادن امتیاز شده است. تندرخواهای اصلاحات براساس همین توهم نیز همچنان تنها شیوه ممکن را ستیز و مبارزه دانسته و بدون توجه به فرصت پیش آمده برای حضور در ساختار، همچنان غیرت‌سازی، برساختاری و مبارزه سیاسی با حاکمیت را دنبال می‌کنند. این فلسفه و شیوه زیست سیاسی که قهرا ندیدن فرصت‌های به‌وجودآمده را به دنبال می‌آورد، برای اصلاح‌طلبان و برای کشور موجب خطراتی خواهد بود. خطرش برای اصلاح‌طلبان این است که موجب حذف تدریجی آنها از ساخت سیاسی کشور که نوعا بر عقلانیت و تفاهم و هم‌افزایی مبتنا دارد، خواهد شد و از سوی دیگر ریسک‌کنش برای کشور این خواهد بود که موجب ایجاد رگه‌ها و رشحاتی از قطبی‌گری و ثنویت‌اندیشی در سیاست می‌شود که نتیجه‌اش جز هزینه و هزیمت نیست.